

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمت چهارم - شبهه چهارم:

آقای موثق چنین سوالی رامطرح کرده است:

امام زمان علیه السلام دقیقاً الان و قبل از ظهور چکار می کند؟ عالم چه نیازی به وجود ایشان دارد؟ دستیار خداست؟ آیا فرشته ها برای کمک به خدا یا واسطه شدن برای تدابیر خدا، کافی نبودند؟

یکی از سؤالات و شبهاتی که در طول تاریخ مطرح بوده است ، بحث ضرورت و فایده امام غائب است . که آیا امام غائب برای جامعه می تواند مفید باشد ؟ و ضرورتی دارد که خداوند امامی را خلق کند و او را در غیبت از مردم قرار دهد ، می توانست این امام در زمان ظهورش قبل از آن خلق شود . به چه جهتی خداوند امام را خلق کرده است و در روی زمین او را حفظ کرده ، در غیر دسترس مردم ، برای اینکه ایشان برای ایام ظهورش بماند تا در ظهور وعده های الهی را اجرا کند ؟

کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر ؛ ص ۵۳

باب ما جاء عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن رسول الله ص في النصوص على الأئمة الاثني عشر عليهم السلام

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ السَّلْمَانِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَرَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحَارِثِ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ ص يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ مِنْكُمْ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ ع خُلَفَائِي وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ بِالتَّوْرَاهِ [فِي التَّوْرَاهِ] بِالْبَاقِرِ وَ سَتْدُرْكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيئِي وَ كَنِيئِي حَجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ نَفْسُهُ [بَقِيَّتُهُ] فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ

أُولِيَّائِهِ غَيْبَةً لَّا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لَشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فَقَالَ ع وَ أَلَدِي بَعَثَنِي بِالتَّبْوَةِ إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ إِنْ سَتَرَهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ

در روایتی که در ذیل آیه او الامر وقتی که نازل شد جابر بن عبدالله انصاری ایستاد و گفت یا رسول الله ما خدا و پیغمبر را می شناسیم . امام و او الامری که موظف به طاعت او هستیم چه کسی است به ما معرفی کنیم . پیغمبر فرمودند : اول از همه علی بن ابیطالب علیه السلام ، بعد فرزندش حسن و برادرش حسین علیهما السلام ، یک یک معرفی کردند تا رسید به امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام که پیغمبر فرمودند او غیبتی طولانی خواهد داشت .

جابر دوباره ایستاد و گفت یا رسول الله آیا مردم از امام غائب در امامتش بهره می برند ؟
غرضم این است که سؤال یک سؤال قدیمی است که به عصر پیغمبر بر می گردد که ما از جواب پیغمبر در سؤال جابر استفاده می کنیم . این سؤال قدمتی به طول تاریخ اسلام دارد . بعضی از دانشمندان اهل سنت هنگامی که با کانسپت (concept) غیبت در روایات برخورد کردند ، عین همین سؤال را مطرح کردند .

ابوحامد غزالی در کتابی که در ردّ شیعه نوشته ، مشابه این سؤال را در کتاب خودش بیان می کند . البته ممکن است به ذهن بعضی از افراد شیعه هم عین این سؤال برسد نه از بابت یه شبهه و یا اعتراض ، بلکه فقط به عنوان یک سؤال که فایده امام غائب در ایام غیبت چیست ؟

در مقام جواب اینطور به نظر می رسد که سؤال کننده گان یک مفهوم خرافی در ذهنشان بوده است . یعنی فکر می کردند ، امام غائب ، یعنی امام پشت کوه قاف ، یعنی امام ته چاه ، دانشمند اهل سنت محمد بن یوسف گنجی شافعی که دانشمند بزرگی است و آثار خوبی هم دارد ، در قرن هفتم کتابی دارد به اسم الایمان فی اخبار صاحب الزمان ، این دانشمند شافعی در فصل ۲۵ کتابش ، می گوید که حضرت مهدی علیه السلام در ایام غیبت ته یک چاهی است . و این هم استبعادی ندارد . خداوند اگر بخواهد یک نفر را ته چاه تا سالهای درازی نگه دارد . جالب اینجاست که ایشان در سفر حج کتابش را به مرحوم اربلی صاحب کشف الغمه می دهد که او از ایشان استنساخ کند . اربلی زمانی که به این فصل می رسد می گوید : شما روی چه حسابی می گوئی امام مهدی علیه السلام در ته یک چاه است ؟ این حرف را چه کسی زده و در چه روایتی داریم ؟

جالب اینجاست که این عقیده را یک دانشمند سنی به عنوان یک اعتقاد اثبات می کند و یک دانشمند شیعی این عقیده را ردّ می کند و عجیب است که اهل سنت متوجه نیستند که این عقیده را خودشان گفتند و پای ما می نویسند .

یا اینکه ممکن است کسی تصور کند که امام غائب یعنی امام لای ابرها . بنابراین می گوید که امام لای ابرها در روی زمین به چه کار مردم می آید . امام داخل سرداب به چه کار می آید . توجه کنید که تقدس سرداب سامراء به این جهت نیست که امام زمان علیه السلام در یک گوشه ای در آن سرداب پنهان هستند و ۱۲۰۰ سال یا ۱۵۰۰ سال آنجا انتظار می کشند تا زمان ظهور بیرون بیایند .

این حرفهای غلطی است که بی صمد بعضی از دانشمندان در آثارشان نوشته اند و به ما نسبت می دهند . درحالی که هیچکدام از اینها برای این سخن باطل بی اساس یک سند هم نقل نمی کنند . کسی که چنین مفهومی از غیبت قائل باشد ، حق دارد که سؤال کند . که امام ته چاه ، لای ابرها و یا امام داخل در سرداب به چه درد مردم میخورد ؟ این سؤال نتیجه آن خرافه است .

اما در عقیده شیعه ، ما که معتقدیم امام زمان علیه السلام همچون حضرت یوسف این تشبیه برای امام صادق علیه السلام در کتاب غیبیه النعمانی که برای ۱۱۰۰ سال قبل است . مرحوم نعمانی در حدود سال ۳۵۰ فوت کرده است و این روایت را در آنجا از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت مهدی همچون حضرت یوسف علیهما السلام که برادرها سه سفر رفتند و ایشان را ملاقات کردند و خرید و فروش کردند ، و شناختند ، امام مهدی علیه السلام هم در جامعه زندگی می کنند .

در مجامع رفت و آمد می کنند . در ورود به مجامع به مردم سلام می کنند . به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام گاهی در شرق عالم و گاهی در غرب عالم هستند . لذا ایشان امامی با چهره ناشناس هستند . در ایام غیبت به هدایت مردم می پردازند .

امیر المؤمنین در نهج البلاغه در قسمت کلمات قصار و حکمتهای نهج البلاغه یک عبارتی است که مفصل ترین عبارات قسمت سوم نهج البلاغه است . ایشان دست کمیل بن زیاد نخعی را می گیرند و از شهر بیرون می روند و یک نفس عمیقی می کشند :

۳۹. وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ النَّخَعِيِّ قَالَ كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ

أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ تَنَفَّسَ الصَّعْدَاءَ ثُمَّ قَالَ: يَا كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لَعَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ

آری اینگونه است که زمین از کسی که به حجّت الهی قائم باشد ، قیام کند ، خالی نمی ماند . یعنی کسی که تکالیف الهی را انجام بدهد . امام حسن مجتبی علیه السلام در زمان خودشان قائم لله بحجّه هستند ،

امام صادق علیه السلام در زمان خودشان ، امام عسکری علیه السلام در زمان خودشان . زمین از چنین کسانی خالی نمی ماند .

یعنی دارند قاعده لزوم حجّت در روی زمین را در اینجا بیان می کنند . **إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا** . آن حجت الهی ممکن است که آشکار و در دسترس مردم باشد و یا ممکن است پنهان و ترسان باشد . مصداق کلام اول امام علی علیه السلام در امام آشکار و در دسترس امام اول تا امام یازدهم است و مصداق این فرمایش که امام پنهان و ترسان ، امام غائب ، حضرت مهدی صلوات الله علیه هستند . بعد می فرمایند : **لَيْتَ لَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ** این امام باید باشد تا دین و کتاب خدا محفوظ باشد . بیّنات الهی در روی زمین منتشر شود و محفوظ باشد . بنابراین امام زمان علیه السلام در زمان غیبت حافظ دین و بیّنات الهی در روی زمین هستند .

جناب نعمانی و همچنین مرحوم کلینی در کتاب خودشان روایتی را از خطبه های امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه نقل می کنند . که زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند بعضی از حجتها ظاهرند ولی مردم قدر شناسشان نبودند و بعضی از حجّت ها غائب هستند .

اصول کافی: کتاب الحجه - دوران غیبت - حدیث سیزدهم

بعد می فرمایند : **إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَلَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ قَدِيمٌ مَّبْتُوثٌ عَلَيْهِمْ**

اگر به دلیل ضعف مؤمنین و استیلاء دولت باطل امام در غیبت به سر ببرد که دارند حکمت غیبت امام را با این جمله بیان می کنند علم مَبْتُوث امام از مردم غائب نخواهد بود . بنابراین ما به امام ته چاه و لای ابرها و پشت کوه قاف و ته سرداب معتقد نیستیم . امامی که در میان جامعه زندگی می کنند کعهدِ مَنْ النَّاسِ ، مردم او را می بینند ، مردم راهدایت می کند ، دستگیری می کند ، به آنها کمک می کند ، وظایف امامتش را در چهره ناشناس انجام می دهد .

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه ایشان همین مطلب را بیان می فرمایند :

خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه

و من خطبة له (عليه السلام) يومية فيها إلى الملاحم و يصف فئة من أهل الضلال:
وَ أَخَذُوا يَمِينًا وَ شِمَالًا طَعْنًا فِي مَسَالِكِ الْعَيِّ وَ تَرَكُوا لِمَذَاهِبِ الرُّشْدِ، فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ وَ لَا تَسْتَبْطِئُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْعَدُوُّ، فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ بِمَا إِنْ أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنَّهُ لَمْ يَدْرِكْهُ وَ مَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرِ

عَدِ يَا قَوْمِ، هَذَا إِبَانٌ وَرُودٌ كُلُّ مَوْعُودٍ وَ [دُنُوًّا دُنُوًّا مِنْ طُلْعَةِ مَا لَا تَعْرِفُونَ. أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ، لِيَحِلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعَ شَعْبًا وَ يَشَعَبَ صَدْعًا، فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثْرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ. ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحْدَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَ يَرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُغَبِّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبْحِ.

که سید رضی در سطر خطبه در مورد عالم ظهور و حوادث آخرالزمان نوشته است . بعد از اینکه می فرمایند در آن روزگار ، روزگار تاریک و ظلمانی است . ظلم و فتنه ها از هر سو همه جا را فرا گرفته است بعد می فرمایند در همچنین زمانی أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا کسی از ما که در آن دوران زندگی می کند و درک می کند ، یعنی امام دوران ظلمت آخرالزمان است . یعنی حضرت مهدی علیه السلام . چنین امامی بَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ ، با مشعل روشنی در دوران ظلمانی حرکت می کند . یعنی نور و هدایتش به مردم می رسد وَ يَحْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ وَ به روش نیکوکاران گام برمی دارد و حرکت می کند . چه می کند : لِيَحِلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعَ شَعْبًا وَ يَشَعَبَ صَدْعًا بنده ها را آزاد می کند ، اسراء را از گرفتاری آزاد می کند . پراکنده ها را اینها را با هم مجتمع می کند . ، فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ همه این کارها را در حالتی انجام می دهد که مردم عامل این کارها را به آن پی نمی برند . در خفائی از مردم لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثْرَهُ کسی که بخواهد جستجو کند جای پائی از او پیدا نمی کند وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ ولو اینکه با دقت این کار را دنبال کند .

به همین جهت پیغمبر اکرم صلی الله وعلیه و آله در جواب جابر بن عبدالله انصاری که آیا مردم از وجود امام غائب بهره ای می برند می فرمایند : بله که می برند . به پروردگاری که من را به نبوت برانگیخت ، پیغمبر قسم می خورند و این روایات را اهل سنت هم در آثارشان نقل کرده اند . مردم به همان صورت از او منتفع می شوند و سود می برند که در روز ابری از خورشید استفاده می کنند .

یعنی همانطوری که امام غائب را همچون خورشید پس ابر نمی بینند ولی از نور و حرارت و جاذبه آن استفاده می کنند و بهره می برند . لذا امام غائب تمامش سود و فایده و هدایت و دستگیری است و ریشه این شبهه بدفهمی مفهوم غائب در تعبیری است که بعضی از بدخواهان تشییع بدون سند در مفهوم غیبت به ما نسبت دادند که ما هرگز آن تعابیر را قبول نمی کنیم .

سؤال : ممکن است که به ذهن ما خطور کند که اگر ما امام غائب را ، امام چاه نشین و ابرنشین نمی دانیم پس چرا در بعضی از مسجد ها و زیارتگاه ها چاهی را درست کرده اند و مردم می روند و سؤالات و مشکلاتی را که دارند عریضه می نویسند و در آن چاه می اندازند ، اگر ته آن چاه کسی ننشسته و اینها را نمی گیرد بنابراین حکمت این کار چیست ؟

پاسخ : ما در روایات داریم که اگر در دوران غیبت کاری با حضرت داریم امام زمان علیه السلام در دسترس شیعیانشان هستند خود این نکته نشانگر این مسأله است .

روش اول : راه مراجعه به امام زمان یک توسل به آن حضرت است به حضرت سلام کن و تقاضات رو با آن حضرت مطرح کن . حجت خداست . شاهد بر ما است . و به سؤال و تقاضای شما آن حضرت جواب می دهند .

روش دوم : سؤال را بر برگه ای بنویس و در آب روان بنداز نه در چاه خشک . یعنی در اینجا بدفهمی مردم از احادیث مسأله است . لذا مراجعه به امام زمان اختصاصی به این ندارد که عریضه نویسی کنی . این یک روش است و الا می توانی به حضرت متوسل شوی و تقاضات را به آن حضرت مطرح کنی و جواب سؤالات را در عمل که از عنایات و شفاعت آن حضرت است دریافت کنی . اگر هم خواستی عریضه بنویسی در آب روان باید بیاندازی . امام زمان علیه السلام نمایندگان دارند که این عریضه ها را به سمع و نظر امام زمان علیه السلام خواهند رساند .

التماس دعای فرج